

## بسم الله الرحمن الرحيم

### آیات الولاية

#### آیه بیست و یکم - سوره مبارکه بقره - آیه شریفه ۲۰۷

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

و از مردم کس هست که جان خود را برای خشنودی خداوند می فروشد ( در راه خدا جانبازی می کند ، مانند علی علیه السلام که در شب هجرت در جای پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید ) ، و خداوند به بندگان دلسوز و مهربان است .

#### تفسیر

«افرادی هستند (امیر مؤمنان علی (علیه السلام)) که جان خویش را با خداوند معامله می‌کند به خاطر به دست آوردن رضایت او، و خداست که نسبت به بندگان مهربان است.»

قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «الایثار اعلی المکارم» ایثار، برترین صفت عالی انسان است.»

شرح کوتاه: مکارم اخلاق آن دسته از خلقیات عالی و رفیعی است که اگر کسی به‌خواهد آن‌ها را انجام دهد یا باید با هوای نفس خود و کشش غرایز حیوانی خویش بجنگد و در جهت مخالف آن‌ها گام بردارد و یا لااقل باید ندای آن‌ها را نادیده انگارد.

ایثار، که مقدم ساختن دیگران بر خویش است، والاترین صفت عالی انسانی است زیرا نائل شدن به این صفت والای انسانی مستلزم مبارزه شدید با هواهای نفسانی و خواسته‌های پست بشری است که طبق آن‌ها انسان همه چیز را برای خود می‌خواهد و حاضر نیست ذره‌ای از مال، جان و آبروی خویش را برای دیگران هدیه دهد.

#### ایثار حاتم طائی

سالی قحطی شد و تمام مردم در فشار و مضیقه بودند، و هر چه داشتند خورده بودند زن حاتم می‌گوید: شبی بود که چیزی از خوراک در منزل ما پیدا نمی‌شد حتی حاتم و دو نفر از بچه‌هایم عدی و سفانه از گرسنگی خواهمان نمی‌برد. حاتم عدی را و من سفانه را با زحمت مشغول نمودیم تا خوابشان ببرد.

حاتم با گفتن داستان مرا مشغول کرد تا خواب روم، اما از گرسنگی خوابم نمی‌برد ولی خود را به خواب زدم که او گمان کند من خوابیده‌ام، چند دفعه مرا صدا کرد، من جواب ندادم.

حاتم داشت از سوراخ خیمه به طرف بیابان نگاه می‌کرد، شبی به نظرش رسید، وقتی نزدیک شد دید زنی است که به طرف خیمه می‌آید. حاتم صدا زد: کیستی؟ زن گفت: ای حاتم بچه‌های من دارند از گرسنگی مانند گرگ فریاد می‌کنند.

حاتم گفت: زود برو بچه‌هایت را حاضر کن، به خدا قسم آنها را سیر می‌کنم وقتی که این سخن را از حاتم شنیدم فوراً از جایم حرکت کردم و گفتم: به چه چیزی سیر می‌کنی؟!

گفت: همه را سیر می‌کنم، برخاست و تنها یکی اسبی داشتم که اساس به وسیله آن بار می‌کردیم آن را ذبح نمود و آتش روشن کرد و قدری از گوشت را به آن زن داد و گفت: کباب درست کن با بچه‌هایت بخور. بعد به من گفت: بچه‌ها را بیدار کن آن‌ها هم بخورند و سپس گفت: از پستی است که شما بخورید و یک عده در کنار شما گرسنه بخواهند.

آمد و یک یک آن‌ها را بیدار کرد و گفت: برخیزید آتش روشن کنید، و همه از گوشت اسب خوردند؛ اما خود حاتم چیزی از آن نخورد و فقط نشسته بود و خوردن آن‌ها را تماشا می‌کرد و لذت می‌برد (رهنمای سعادت ۳۵۰/۲، سفینه البحار ۲۰۸/۱)

تفسیر تسنیم (آیت الله جوادی آملی دامت برکاته)

گزیده تفسیر

در مقابل منافقان مفسد که با همه توان در زمین فساد می‌کنند و حرث و نسل را به نابودی می‌کشند، ایثارگرانی هستند که در راه اصلاح جامعه همه هستی خویش، یعنی جان و مال و آبرو را نثار می‌کنند و هدفی جز خشنودی و رضای خدا ندارند. دیگران در پی فضل خدا و بهره‌های صحیح دنیایی یا نعمتهای آخرتی و بهشت‌اند و اولیای کامل الهی تنها در پی رضوان خداوند.

آفرینش جان نثاران پاک باخته و گسیل مروجان راستین دین و مصلحان حقیقی، از بارزترین مظاهر رأفت خدای منان به بندگان خویش و موجب تداوم نظام احسن است، زیرا برخی مفسدان با موعظه و دعوت به تقوا و تهدید به دوزخ از فساد دست بر نمی‌دارند و اگر فرصت یابند جامعه و زمین را نابود می‌کنند

خلاصه تفسیر

یشری: «شراء» به معنای جامع در خرید و فروش، یعنی تبدیل، به کار می‌رود

مرضات: «رضا» در برابر سخط و به معنای موافقت میل است با آنچه پیش آید. مرضات، مصدر میمی و به معنای رضایت و خشنودی دائمی است. رضایت بنده از خداوند آن است که آنچه را قضای الهی بر آن جاری می‌شود ناگوار نداند و رضایت خدا از بنده به اطاعت و بندگی وی است. چنین نفسی راضیه مرضیه و از طمأنینه برخوردار است.

جان نثاران راه خدا

در آیات گذشته بیان شد که منافقان، ظاهری فریبا دارند و از همه امکانات تبلیغی و فرهنگی بیانی و غیربیانی خود برای به فساد کشاندن آیه کنونی، گروه مقابل آنان را جان نثاری می‌داند که دیگران را بر خود ایثار و هستی خود را برای کسب رضای حق نثار می‌کنند و در اصلاح جامعه هدفی جز خشنودی خدا ندارند و عزت و کرامت را در سایه ارتباط با عزیز بالذات می‌دانند و خداوند آنان را مظهر رأفت و رحمت خویش قرار می‌دهد: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾، بنابراین از تقابل میان آیه مورد بحث با آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبِجُكَ...﴾ فهمیده می‌شود که وصف در این آیه در برابر وصف در آن آیه است

اقسام ایثارگران

مردم با توجه به انگیزه و هدف اخروی خود در اعمال عبادی سه دسته‌اند: برخی برای رهیدن از دوزخ جانشان را در دنیا نثار می‌کنند، پس خدا را «خوفاً من النار» عبادت می‌کنند و بعضی جانشان را برای دستیابی به بهشت و مغفرت الهی به خدا می‌فروشند، پس خدا را «شوقاً إلى الجنة» عبادت می‌کنند و دسته سوم که از برجستگان قیامت‌اند، جانشان را در راه خدا نثار می‌کنند تا به رضوان الهی برسند: ﴿وَفِي آخِرَةِ آعَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ﴾ - سوره حدید، آیه ۲۰ - که برترین درجه و مقام و مخصوص اولیای الهی است: ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ - سوره توبه، آیه ۷۲.

آیه مورد بحث بیان‌کننده درجه همین گروه سوم است که جان خود را برای خشنودی خدا به او می‌فروشند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾. در این باره مطلبی است که در ذیل عنوان بعد خواهد آمد.

بیع یا بذل جان

عنوان شراء، خواه به معنای بیع و خواه به معنای بذل و اعطا باشد، جز رایگان بودن صورت صحیح دیگری ندارد، زیرا اگر چیزی عوض قرار گیرد، گیرنده عوض، خود جان است و فرض بر آن است که اصل هویت در اختیار خداوند قرار گرفته و انسان بخشنده یا فروشنده جان هویتی ندارد تا با آن ثمن را دریافت کند، هرچند آن بها رضای خدا باشد؛ یعنی در فرض بذل جان، چیزی به خود جان نمی‌رسد، هرچند لذت از رضای خدا باشد.

در این باره، دو فرض دیگر نیز ممکن است: ۱. منظور از بذل جان همان باشد که ادبیات محاوره‌ای آن را ارج می‌نهد؛ یعنی دادن زندگی دنیا و اهدای خون، بدن و عمر. در این حال اصل جان محفوظ است و بعد از مرگ بدن کاملاً نتیجه کار مثبت خود را می‌یابد و از آن بهره‌مند می‌شود و اگر مقصود وی از این فداکاری تحصیل رضای الهی باشد لذت کامل‌تری خواهد برد.

۲. منظور از بذل جان، بخشیدن مرحله نازل آن برای رسیدن به مرحله عالی آن باشد؛ نظیر آنکه مقام فناء نفس که منزله نازل آن است فدای مرحله بقای آن شود که منزله عالی آن است؛ در آن حال می‌توان گفت که رضای عبد، فانی در رضای مولاست، بنابراین، هویت و ذات که در هستی بخش فانی شد وصف، یعنی رضا، نیز در وصف هستی بخش فانی خواهد شد.

#### طلب خشنودی خدا

ابتغای خشنودی خدا در این آیه، در برابر طلب فضل الهی است که در آیات قبل گذشت: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ﴾ - سوره بقره، آیه ۱۹۸ - در آنجا منظور از ابتغای فضل خدا به قرینه سیاق و صدر و ذیل آیه، بهره‌های صحیح دنیایی بود؛ ولی در این آیه مقصود از رضوان الهی، خشنودی خدا در دنیا و آخرت است، چون ره‌آورد ایثارگران راه حق، پیروزی در دنیا و بهشت جاویدان و فوز عظیم در آخرت است.

#### رأفت مطلق الهی

خداوند به همه بندگان رثوف و مهربان است: ﴿وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾. این جمله بیان‌کننده رأفت و رحمت مطلق الهی است که فاسد و مفسد و صالح و مصلح، همه را دربر می‌گیرد. نسبت به بد‌های جامعه مهربان است، چون تاحد ممکن آنها را نصیحت می‌کند، آن‌گاه مسئولان امر به معروف و نهی از منکر را مأمور هدایت آنان می‌کند تا با وعده بهشت و وعید جهنم آنان را به تقوا فراخوانند و پس از آن چندین بار مهلت می‌دهد تا توبه کنند؛ اگر این امور در هدایت آنها اثر نکرد و مفسدان غده‌ای سرطانی برای جامعه شدند، مردان الهی را که پزشکانی حاذق اند مأمور می‌کند تا جامعه انسانی و اسلامی را از لوث وجود آنان پاک و سلامت جامعه را تأمین کنند نسبت به خوبان و ایثارگران هم مهربان است، چون اولاً آنان را در جبهه‌های نبرد با بیگانگان یاری و پیروزی را نصیبشان می‌کند: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ و ثانیاً آنان را وسیله اصلاح جامعه و مظهر قدرت و رحمت خویش قرار می‌دهد تا بدین وسیله به مقام خشنودی خدا رسیده و به ره‌آورد‌های تجارت سودمند خویش نایل آیند: ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ مظهر قدرت و قهر خدا شدن از موارد «رحمت خاص» خداست که در گرو قابلیت وجودی افراد است، از این رو این توفیق به هر کسی نمی‌رسد

#### تجارت جان در بازار دنیا

اعمال انسان همگی در محور جان وی است و او در بازار دنیا دائماً تجارت می‌کند: «الدُّنْيَا سَوْقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ» او سرمایه گرانمایه جان و عمر خویش را می‌دهد و در برابر آن یا کالای ابدی دریافت می‌کند که همان خشنودی خدا، رستگاری و بهشت جاویدان است و این تجارتی دایر و سودمند است: ﴿يَرْجُونَ تَجْرَةً لَنْ تَبُورَ﴾ یا آنکه لهو و لعب و کالای زودگذر دنیا را تحصیل می‌کند که تجارتی بایر و زیانبار است: ﴿الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ ﴿يَسْمَا شَتَرُوا بِه أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ بنابراین، همه افراد در دنیا تاجرند و تجارت دو قسم و تاجران دو گونه اند: عده‌ای تجارت سودآور دارند و گروهی تجارت زیانبار. خدای سبحان براساس رحمت خود معیار تجارت سودمند و ره‌آورد آن را چنین ذکر فرموده است: ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ﴾ چنان‌که تجارت‌های زیانبار را نیز در موارد خاص بیان کرده است: ﴿اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى﴾

#### شأن نزول

اشاره: أ. به تواتر روایت شده است که این آیه شریفه در شأن امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) نازل شده است، آن‌گاه که در شب هجرت در بستر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خوابید و جان خود را در راه کسب خشنودی خدا نثار کرد غیر از شیعه بسیاری از مفسران عامه نیز معتقدند که این آیه شریفه در شأن امیرمؤمنان (علیه السلام) در جریان «لیلة المبيت» نازل شده است؛ برای نمونه، ثعلبی از مفسران بزرگ و معروف اهل سنت، در این باره می‌نویسد: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام هجرت از مکه فرمان داد تا علی (علیه السلام) در بستر او بخوابد و پارچه سبز رنگی (برد حضرمی) را که مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود بر روی خود بکشد. سران قریش از هر قبیله‌ای نماینده‌ای برگزیده بودند تا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را

محاصره کرده و به شهادت رسانند. خدای سبحان به جبرئیل و میکائیل (علیهما السلام) وحی کرد که من شما را برادر یکدیگر کردم و عمر یکی از شما را طولانی‌تر قرار دادم، کدام یک حاضر است ایثار کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد؟ هیچ یک حاضر نشدند، پس خداوند به آنان وحی فرمود که اکنون علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آرمیده و آماده است تا جان خویش را فدای او سازد. به زمین بروید و نگهبان او باشید.

هنگامی که جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی (علیه السلام) قرار گرفتند، جبرئیل گفت: آفرین بر تو ای علی! خداوند به وجود تو بر فرشتگان مباحثات می‌کند، آن‌گاه این آیه شریفه نازل شد

ب. انطباق آیه مورد بحث بر جریان حضرت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نظیر تصدیق خداوند نسبت به رؤیای صادق حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود، زیرا امیرمؤمنان (علیه السلام) کمال آمادگی را برای بذل جان در قبال دستور پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمان آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز مطاع بود داشت، همان‌طور که حضرت اسماعیل (علیه السلام) چنین آمادگی محض را ارائه کرد. اگر قضای الهی بر خلاف تصمیم قریش رقم خورد خداوند حکم دیگری را تنظیم فرمود که برابر آن حیات مجدد حضرت علی (علیه السلام) امضا شده است

به هر تقدیر، نصاب شراء از طرف حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) کاملاً محقق شده است، چنان‌که اطلاق یا عموم آیه، قابل تطبیق بر هر مجاهد و آمر به معروف و ناهی از منکری است که آمادگی هرگونه آزمون الهی را دارد.

تذکر: آیات راجع به حضرت امیرمؤمنان چند طایفه است: برخی راجع به عصمت و طهارت و بعضی راجع به امامت و بعضی راجع به فضیلت ممتاز آن حضرت (علیه السلام) است که ملازم با امامت نیست. محتوای آیه مورد بحث از قسم سوم است و مساسی با امامت آن حضرت ندارد، گرچه با وجود چنین شخصیتی منصب امامت به دیگری نمی‌رسد.

ج. کاشف الغطاء در مقایسه‌ای میان شجاعت و شهامت امیرمؤمنان و حضرت سیدالشهداء (علیهما السلام)، با اشاره به جریان «لیلة المبيت» می‌فرماید:

شجاعت امیر مؤمنان، امام علی (علیه السلام) بیشتر و عجیب‌تر از شجاعت امام حسین (علیه السلام) در کربلاست، چون حسین بن علی (علیه السلام) در روز عاشورا مسلح بود و می‌گشت و کشته می‌شد؛ ولی علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) در شب بدون سلاح در بستر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون کمترین هراسی آرمید، حال آنکه چهل مرد مسلح از چهل قبیله بر او حمله‌ور شدند البته امام حسین (علیه السلام) نیز اگر در موقعیت امیرمؤمنان، علی (علیه السلام) قرار می‌گرفت، همان کار را می‌کرد؛ لیکن این جریان برای حسین بن علی (علیه السلام) به فعلیت نرسید.

تذکر:

۱. اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به منزله لیلة القدرند که هیچ شبی با آن سنجیده و ارزیابی نمی‌شود: «لا یقاس بآل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) من هذه الامة احد»

۲. هرچند کاری که مجاهدان نستوه می‌کنند ممکن است ظاهر آن شبیه کار معصوم (علیه السلام) باشد؛ ولی در باطن به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، زیرا عمل معصوم (علیه السلام) تنزل یافته از مقام برین عصمت کلی الهی از یکسو و خلافت مطلق خدا از سوی دیگر و مظهریت اسمای حسناى الهی مخصوصاً اسم اعظم از سوی سوم است؛ اما عمل دیگران هرگز از چنین درجات رفیعی تنزل نکرده است.

۳. مقدار صعود هر عمل صالح مطابق هبوط آن است. هرگز عملی که از درجه چهارم ایمان، مثلاً، تنزل یافته به درجه پنجم از کمال وجودی صعود نمی‌یابد و اصل حاکم در ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ نیز همین است.

د. روایت نزول این آیه شریفه در شأن امیرمؤمنان، امام علی (علیه السلام) را حافظ حسکانی در کتاب شواهد التنزیل به ده سند از اهل تسنن نقل کرده است؛ اما شگفتا که سیوطی در الدر المنثور این روایت مستفیض بلکه متواتر نزد علمای شیعه و اهل تسنن را نیاورده، با آنکه شاذ و نادرترین روایات را در آن کتاب گردآورده است. این نشانه فقدان ولایت نسبت به اهل بیت نبوت (علیهم السلام) است که این‌گونه حقایق را کتمان می‌کند.

ه. عظمت فضیلتی که این آیه برای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بیان می‌کند به حدی است که برای دشمنان اهل بیت قابل تحمل نبود، آن‌سان که معاویه (علیه الهاویه) در این باره در صدد جنایتی بزرگ برآمد. ابن ابی الحدید معتزلی از استادش ابو جعفر اسکافی نقل می‌کند:

روایت شده است که معاویه صد هزار درهم به سمرة بن جندب داد تا حدیثی را جعل کند که آیات ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ ★ وَاِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ در شأن علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده است و آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ در شأن ابن ملجم، قاتل امیرمؤمنان، علی (علیه السلام). آن منافق جنایت پیشه ابتدا نپذیرفت؛ ولی سرانجام پذیرفت که در برابر چهارصد هزار درهم چنین حدیثی را از پیش خود ساخته و روایت کند لیکن همان طور که انتظار می‌رفت هیچ‌کس این حدیث مجعول را نپذیرفت.

و. در پاسخ این پرسش که طبق برخی روایات، این آیه در راه مکه و مدینه نازل شده است: «نزلت الآية بين مكة و مدينة» پس چگونه در سوره «بقره» که در مدینه نازل شده، قرار گرفته است؟ باید گفت: این آیه در سوره مدنی «بقره» درج شده است؛ لیکن منافاتی ندارد که بعد از تحقق اصل هجرت و در راه مکه و مدینه نازل شده باشد، چون اصل حادثه «ليلة المبيت» در مکه اتفاق افتاد و این آیه در راه مکه و مدینه نازل شد و به فرمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در سوره «بقره» قرار گرفت.

تطبیق آیه بر شهیدان امر به معروف و نهی از منکر

روی عن علی (علیه السلام) «أَنَّ الْمُرَادَ بِالْآيَةِ الرَّجُلَ الَّذِي يَقْتُلُ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِنَهْيٍ عَنِ الْمُنْكَرِ»

اشاره: أ. طبق این روایت، آیه مورد بحث عام است و بر هر کس که جان خود را به خدا و برای کسب رضایت او بفروشد، تطبیق می‌شود. این تطبیق با نصوص و روایات متواتر شیعه و سنی و نیز شواهد عقلی دال بر نزول آیه شریفه در شأن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در جریان «ليلة المبيت» منافات ندارد، زیرا سبب نزول، مخصص یا مقید نیست.

ب. تصریح به اطلاق یا عموم آیه و فتوا به شمول آن نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر که متصلبانه انجام وظیفه می‌کند منافای با نزول آن در شأن شخص معین، نظیر علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست؛ لیکن عدم تعرض به شأن نزول اصلاً یا جانب‌داری از داستانهای دیگر و پرداختن به قصه صهیب و مانند آن و عدم تعرض به جریان مولی الموحدين، امیرمؤمنان (علیه السلام) نشان پدیده دیگری است که درمان آن را باید از شافی مطلق مسئلت کرد.

نوری ز پشت ابر هزاران ستاره خواب      دستی به دست پنجره، چشمی بر آفتاب

آرامش نگاه من از لحظه ی غروب      در خواهش طلوع تو ای ماه درنقاب!

منبع: پایگاه های اطلاع رسانی امام علی سلام الله علیه، تدبر، حرم حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه، تبیان، تفاسیر و...

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>